

مفهوم شفاعت

<?xml encoding="UTF-8">

کلمه "شفاعت" از ریشه "شَفَع" به معنی جفت بوده و برگرفته از "صَمَّ الشَّيْءُ إِلَى مِثْلِهِ" است و نقطه مقابل آن "وَتَر" به معنای تَک و تنها است سپس به ضمیمه شدن فرد برتر و قویتری برای کمک به فرد ضعیف اطلاق گردیده است و به همین دلیل که شفیع به هنگام درست کردن کار دیگری و شفاعت در مورد او در حقیقت خود را رفیق او قرار می دهد به او "شفیع" و به کارش "شفاعت" گفته اند. همینطور کسی که ملک دیگری را جزو ملک خود سازد "شفیع" گفته می شود.

شفاعت در معنای صحیحش برای حفظ تعادل بوده و وسیله ایست برای بازگشت گناهکاران و در معنای غلط موجب تشویق و جرات بر گناه. (که به تفضیل در بخشهای دیگر در این باره سخن خواهیم گفت)

اشکال شفاعت

1. شفاعت "صحیح" و "باطل"

2. شفاعت در عالم تکوین

1. شفاعت باطل (شفاعت در لسان عامه) به این گفته می شود که شخص شفیع از موقعیت و شخصیت و نفوذ خود استفاده کرده و نظر صاحب قدرت را بی هیچ حساب و کتابی درباره مجرم و یا گناهکار (زیر دستان خود) تغییر دهد. گاهی با استفاده از نفوذ خود یا وحشتی که از نفوذ او دارند و زمانی با پیش کشیدن مسایل عاطفی و تحت تأثیر قرار دادن عواطف طرف و زمان دیگری با تغییر دادن مبانی فکری او درباره گناه مجرم و استحقاق او و مانند اینها....

بطور خلاصه شفاعت طبق این معنی هیچگونه دگرگونی در روحيات و فکر مجرم یا متهم ایجاد نمی کند تمام تأثیر ها و دگرگونیها مربوط به شخصی است که شفاعت نزد او می شود این شفاعت در بحثهای مذهبی مطلقاً معنی ندارد زیرا نه خداوند (نعوذُ بالله) اشتباهی می کند که بتوان نظر او را عوض کرد و نه عواطفی به این معنی در انسان است که بتوان آنرا برانگیخت و نه از نفوذ کسی ملاحظه می کند و وحشتی دارد و نه پاداش و کیفرش بر محوری غیر از عدالت دور می زند.

می توان گفت شفاعت بر محور دگرگونی و تغییر موضع "شفاعت شونده" صورت می گیرد یعنی شفاعت شونده موجباتی را فراهم می کند که از يك وضع نا مطلوب و در خور کیفر بیرون آمده و به وسیله ارتباط با شفیع خود را در وضع قابل قبولی قرار می دهد که شایسته بخشودگی گردد و همانطور که خواهیم دید ایمان به این نوع شفاعت در واقع يك مکتب عالی تربیتی و وسیله اصلاح افراد گناهکار و آلوده و بیداری و آگاهی است ؛ این چیزی نیست جز "شفاعت صحیح" که شفاعت شونده به اشاره خداوند مورد شفاعت قرار می گیرد (و لا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى... : و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد شفاعت نمی کنند سوره انبیاء، آیه 28) شفاعت در آخرت نتیجه هدایت در دنیا است. شفاعت در منطق اسلام از نوع اخیر است که بیان شد.

و در بخشهای دیگر می بینیم که تمام ایرادها، خرده گیریها و حمله هلا همه متوجه تفسیر اول شفاعت می شود، نه مفهوم دوم که يك معنی منطقی و معقول و سازنده است؛ به بیانی دیگر آنچه گفته شد تفسیر اجمالی شفاعت در دو شکل "تخدیری" و "سازنده" آن بود.

2. شفاعت در عالم تکوین:

آنچه در مورد شفاعت توضیح داده شد در جهان تکوین (منظور این دنیا و مسأله آفرینش است) علاوه بر عالم تشریع نیز فراوان دیده می شود، نیروهای قویتر این جهان به نیروهای ضعیف تر ضمیمه شده و آنها را در مسیر هدفهای سازنده پیش می برند؛ آفتاب می بارد و بذرها را در دل زمین آمده می سازند تا استعدادهای درونی خود را به کار گیرند (تا به وضع قابل قبولی برسند) و نخستین جوانه حیات را بیرون فرستند، پوست دانه ها را بشکافند و از ظلمتکدهء خاک سر بر آورده و به سوی آسمان که از آن نیرو گرفته اند پیش روند ، به سوی شفيعي که شفاعتشان کرده است.

این صحنه ها در حقیقت يك نوع شفاعت تکوینی در رستاخیز زندگی و حیات است و با اقتباس از این الگو در عالم تکوینی نوعی از شفاعت در عالم تشریعی را می یابیم ؛ راه مستقیمی که برای درک مسأله شفاعت برایمان گشوده می شود.

قرآن و شفاعت

خالی از لطف نیست که بهتر است بگوییم چه طریقی بهتر از طریق قرآن برای درک مسأله شفاعت و بیان آیات و بررسی در تفاسیر مختلف در این باره آمده!

در قرآن دربارهء " شفاعت " (به این عنوان) در حدود سی آیه آمده است (بحث ها و اشارات دیگری نیز به این مسأله با عناوین دیگر دیده می شود.

آیاتی که در قرآن پیرامون " شفاعت " آمده است را میتوان به چند دسته تقسیم کرد :

اول - آیاتی که به طور مطلق شفاعت را نفی می کند؛

لَا تُفْقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَ لَا خَلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ...:

پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه داد و ستدی هست و نه دوستی و نه شفاعتی، از آنچه روزیتان کرده ایم انفاق کنید...

(سوره بقره؛ آیه 254)

و لَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ...:

و از کسی شفاعتی نپذیرند...

(سوره بقره؛ آیه 48)

در این آیات راههای متصور برای نجات محرومان غیر از ایمان و عمل صالح چه از طریق پرداخت عوض و دیون مالی و مادی، یا پیوند و سابقهء دوستی و یا مسأله شفاعت نفی شده است.

حتی در مورد بعضی از گناهکاران می خوانیم؛

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ...:

شفاعت شفاعت کنندگان به حال ایشان سودی ندارد...

(سوره مدثر؛ آیه 48)

دوم - آیاتی که شفیع را منحصرأ خداوند متعال معرفی می کند و شفاعت را فقط مخصوص ذات اقدس الهی می داند؛

مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا شَفِيعٍ...:

برای شما هیچ سرپرست و شفيعي غير از خداوند نيست...

(سوره سجده؛ آيه 4)

قُلْ لِلّٰهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً...

بگو، شفاعت يکسره از آن خداست...

(سوره زمر؛ آيه 44)

سوم - آياتي که شفاعت را مشروط به اذن و فرمان خدا مي کند؛

مَنْ ذَٰلَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...

چه کسي مي تواند جز به اذن خدا شفاعت کند؟...

(سوره بقره؛ آيه 255)

و لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ إِذْنَهُ لَهُ...

شفاعت جز براي کساني که خداوند اذن (اجازه) دهد سودي ندارد...

(سوره سباء؛ آيه 23)

چهارم - آياتي است که شرايطي را براي شفاعت شونده (مشفوع) بيان کرده است، گاهي اين شرط را رضاييت و

خشنودي پروردگار معرفي مي کند؛

و لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى...

و جز براي کسي که [خدا] رضاييت دهد شفاعت نمي کنند...

(سوره انبياء؛ آيه 28)

و گاه شرط آن را گرفتن پيمان و عهد نزد خدا معرفي مي کند؛

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا...

کسي به شفاعت دست مي يابد که به خداوند و به پيامبر ايمان داشته باشد و نزد خدا تعهد و پيمان بسته

باشد...

(سوره مريم؛ آيه 87)

و زماني هم صلاحيت شفاعت شدن را از بعضي از مجرمان و گناهکاران سلب مي کند؛

مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا يَشْفَعُ يَطَاع...

براي ستمگران نه ياورى هست و نه شفاعتگري که مورد اطاعت باشد...

(سوره غافر؛ آيه 18)

البته شرايط شفاعت شونده در بخش هاي ديگر آمده است.

پنجم - در آياتي نيز شفاعت به معني يازي و پشتيباني از برادر عقيدتي و ديني در کمک به وي و يا در جهاد با

تجاوزگران است که بهره دنيوي غنايم و پاداش اخروي آن جنت خداست و اگر در گناه و تجاوزي با همدينش

رفاقت کند، بهره دنياي او سرزنش و نصيب جهان ديگرش كيفر خواهد بود؛

مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَيَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا...

هر که شفاعتي نيكو کند، او را بهره اي باشد و کسي را که شفاعتي بد کند وي را از آن سهمي باشد...

(سوره نساء؛ آيه 85)

معاني و تعابير ديگري نيز از مسأله شفاعت در قرآن کریم آمده است ولي آنچه مد نظر ما بوده است در دسته

بندیهای فوق ذکر شده است.

احادیث و شفاعت

در روایات و احادیث اسلامی تعبیرات فراوانی درباره شفاعت آمده است که در بیان مسأله شفاعت در ذیل آیات قرآن بسیار راهگشاست، از جمله:

1- در تفسیر "برهان" از امام کاظم (ع) از حضرت علی (ع) نقل شده که می فرماید: از پیامبر اکرم (ص) شنیدم "شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَا؟ ر مِنْ أُمَّتِي..." : "شفاعت من برای مرتکبین گناهان کبیره از ائمت است..." راوی حدیث که ابن ابی عمیر است می گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم چگونه برای مرتکبان گناهان کبیره شفاعت ممکن است در حالی که خداوند می فرماید: "و لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى" مسلم است کسی مرتکب گناهان کبیره شود مورد ارتضاء و خشنودی خداوند نیست!

امام کاظم (ع) در پاسخ فرمود: "هر فرد با ایمانی که مرتکب گناهی می شود طبعاً پشیمان خواهد شد و پیامبر (ص) هم فرموده پشیمانی از گناه توبه است.... و کسی که پشیمان نگردد مؤمن واقعی نیست و شفاعت برای او نخواهد بود و عمل او "ظلم" است، همینطور خداوند می فرماید ظالمان دوست و شفاعت کننده ای ندارند"

(تفسیر برهان، جلد 3، ص 57)

مضمون صدر حدیث این است که شفاعت شامل مرتکبان گناهان کبیره می شود ولی ذیل حدیث روشن می کند که شرط اصلی پذیرش شفاعت واجد بودن ایمانی است که مجرم را به مرحله ندامت، خودسازی و جبران برساند و از ظلم، طغیان و قانون شکنی برهاند. (شفاعت سازنده و صحیح)

2- در کتاب کافی از امام صادق (ع) در نامه ای که به تمامی اصحابش نوشت چنین نقل شده:

"مَنْ سَرِهَ أَنْ يَنْفَعَهُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَطْلُبْ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضَى عَنْهُ"

لحن این روایت نشان می دهد که برای اصلاح اشتباهاتی که در زمینه شفاعت برای بعضی یاران امام (ع) خصوصاً و جمعی از مسلمانان عموماً رخ داده است صادر شده و با صراحت شفاعتهای تشویق کننده به گناه در آن نفی شده است و می گوید "هر کس دوست دارد مشمول شفاعت گردد باید خشنودی خدا را جلب کند." (بحارالانوار چاپ قدیم، جلد 3، ص 304)

3- باز در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می خوانیم:

"إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَعَثَ اللَّهُ الْعَالَمَ وَالْعَابِدَ، فَأَذَا وَقَفَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ قِيلَ لِلْعَابِدِ انْطَلِقْ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ قِيلَ لِلْعَالِمِ قِفْ تَشْفَعُ لِلنَّاسِ بِحُسْنِ تَأْدِيبِكَ لَهُمْ" :

"در روز رستاخیز خداوند، عالم و عابد را بر می انگیزد و به عابد می گوید تنها خود به سوی بهشت رو اما به عالمی گوید برای مردمی که تربیت کردی شفاعت کن"

(اختصاص مفید نقل از بحار، جلد 3، ص 305)

در این حدیث پیوندی در میان "تأدیب عالم" و "شفاعت او نسبت به شاگردانش" که مکتب او را درک کرده اند دیده می شود که می تواند پرتویی به روی بسیاری از موارد تاریک این بحث بیفکند.

بعلاوه اختصاص شفاعت کردن به عالم و نفی آن از عابد نشانه ای است از این که شفاعت در منطق اسلام يك مطلب قراردادی و یا پارتی بازی نیست بلکه يك مکتب تربیتی است و تجسّمی است از تربیت در جهان.

4- با نگاهی به کتاب هدایت‌مان (قرآن مجید) به فکر فرو می‌روی که بیش از 70 مرتبه کلمه نماز با این عنوان و یا عناوینی دیگر آورده شده است؛ چه چیزی در پس این همه اصرار نهفته است، نماز و برپاداشتن آن چقدر باید مهم باشد که وقتی ظهر عاشورا امام حسین(ع) با یادآوری ابوثمامه صاعدي جنگ با لشکر شیطان را به خاطر نماز (ستون دین) متوقف می‌کند و ساعتی اجازه می‌خواهد برای دیدار با پروردگار، از این بالاتر دیگر چه نمونه‌ای باید برایمان آورده شود؟!

ترك نماز جزء آن چیزهایی است که پیامبر(ص) ما درباره آن می‌فرماید؛

لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ وَ لَا يَرْدُ عَلَيَّ الْحَوْضُ لَوْلَا اللَّهُ :

کسی که نماز را سبک بشمارد به شفاعت من دست نیابد و به خدا سوگند که در کنار حوض [کوثر] بر من وارد نشود.

از اینکه پیامبر (ص) کسی را که مرتکب گناه کبیره شده شفاعت می‌کند ولی سبک شمارنده نماز را شفاعت نمی‌کند، معلوم می‌شود که سبک شمردن نماز از سایر گناهان کبیره‌ای که مورد شفاعت پیامبر و آلش (علیهم السلام) قرار می‌گیرند بزرگتر و آثار آن برای انسان، خطرناک‌تر است و شاید بتوان گفت با توجه به فرمایش پیامبر اکرم(ص) که رحمة للعالمین است، سبک شمردن نماز از بزرگترین منکرات است (منکر: زشتی و گناهی که از آن نهی شده ایم).

باشد که با سبک نشمردن نماز خود را از شفاعت شوندگان قرار دهیم. (انشاء...)

شرایط شفاعت شونده

با توجه به اینکه شفاعت به معنای صحیح قیود و شرائط فراوانی در چند جهت دارد، کسانی که به این اصل

معتقدند برای اینکه مشمول آن شوند ناگزیرند شرائط آن را فراهم کنند، شرائطی همچون؛

از گناهان سنگین همانند حقّ النَّاس و ظلم که امید شفاعت را به صفر می‌رساند بپرهیزند.

برنامه خود را در یک دگرگونی عمیق و همه‌جانبه در وضع خویش شروع کنند.

برای رسیدن به مقام "ارتضاء" و برقرار ساختن "عهد الهی" (با توجه به آنچه که در بخش‌های پیش گذشت) از گناه

توبه کنند و یا حداقل در آستانه توبه قرار گیرند.

خلافکاری و شکستن سد قوانین الهی را متوقف سازند و یا لااقل تقلیل دهند.

ایمان به خدا، رسولش، آخرت را در خود زنده نگه دارند.

سبک نشماردن نماز یکی از شروط مهم در دستیابی به شفاعت است.

همچنین باید میان شفیع و شفاعت شونده رابطه‌ای بوده و شفاعت شونده زمینه شفاعت را در دنیا (با برقراری

پیوند میان خود و شفیع، اقتباس از صفات او، ایجاد یک نوع سنخیت - هر چند ضعیف - بین خود و او برقرار

سازد، برای رسیدن به نتیجه اینگونه امدادگیاها لازم است. کسی که امام حسین و امام علی (علیهم السلام) را نمی

شناسد و از آنها تبعیّتی ندارد، چگونه می‌تواند از شفاعت آنها بهره‌مند شود؟

منبع : تفسیر نمونه، تفسیر مجمع البیان، تفسیر نسیم حیات (دکتر بهرام پور)/ عزادار حقیقی، محمد شجاعی